[سی و سه]

> در اصل توسط **Hosein-** نوشته شده است
> سلام علیکم
> ظهور اولیه کلام این است که جملات بعد مفسر جملات قبل است یعنی منها یستخرج القران به این معناست که از الم سوره بقره درآمده

و علیکم السلام

برادر عزیز و گرامی، خیلی من را خوشحال کردید که این بحث را از حالت منولوگ خارج کردید، هم خوب خلاصه کردید و هم سؤالات خوبی مطرح کردید، اما متاسفانه شرائط فعلی من طوری است که نمی‌توانم به تفصیل چیزی بنویسم، لذا باید حوصله کنید بنده خورد خورد هر چه به ذهنم می‌رسد عرض کنم، و اگر ممکن است خود شما و سایر دوستان به هر چه از شواهد که له یا علیه مدعای من است برخورد کردید، همینجا ذکر کنید تا بحث پربارتر شود.

به هر حال با اجازه شما و تشکر مجدد فقط سؤال اول را بررسی میکنم:

ببینید ابو فاخته نگفت: منها یستخرج سورها، بلکه گفت منها یستخرج القرآن، بلی سوره بقره را توضیح داد که از الم ذلک الکتاب استخراج میشود، و همچنین سوره آل‌عمران از الم الله لا اله الا هو استخراج میشود، اما مگر کار فواتح سور اختصاص به خود سوره‌هایشان دارد، یعنی یکی از فواتح سور وقتی در مقام مستخرج و منبع سوره خاص است طوری رفتار میکند، و وقتی در مقام مستخرج تمام قرآن است به صورت یک شبکه با سایر فواتح سور عمل میکند، مثلا وقتی سوره‌ای که فواتح ندارد استخراج میشود از ارتباط دو فواتح کمک میگیرد، (قطع نظر از اینکه گفته میشود تمام حروف قرآن مآلاً مقطعه هستند) و این فقط یک احتمال است که به ذهن قاصر من میرسد، و بنده هیچ از نحوه آن چیزی نمیدانم، ولی میگویم: عبارت ابو فاخته را میتوان چنین معنا کرد که دنباله عبارت، فقط توضیح قبل نباشد بلکه نظیر بیان مورد و صغری در کنار اعلان کبرای کلی باشد، یعنی علی ایّ حال فواتح سور، مجموعا به آنالیز ترکیبیشان، قرآن هستند که در فضای تدوین تکوین، نقش مبادی تدوین و الفبای آن را ایفا میکنند. و الله العالم

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2025 16:05:25 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2025 16:05:46 توسط ... .